

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

تقدیم به:

پروفسور کوثر علی

بازگیری زن و مرد در هنرهاي نايسی

در فقه امامیه

تألیف:

مهدی پیرنی

با مقدمه‌ای از:

حجه السلام والمسلمین دکتر حسینعلی سعدی

فهرست مطالب

۹	سخن ناشر.....
۱۱	مقدمه
۱۳	پیشگفتار.....
۲۳	فصل ۱. کلیات
۲۳	مقدمه
۲۳	۱-۱. تبیین موضوع و اهمیت آن.....
۲۵	۲-۱. اهداف و فوائد پژوهش
۲۶	۳-۱. پیشینه موضوع
۲۷	۴-۱. پیشینه‌ی پژوهش
۲۸	۵-۱. سئوالات اصلی پژوهش.....
۲۹	۶-۱. روش پژوهش
۲۹	۷-۱. تعاریف: واژگان کلیدی موضوع
۳۵	۸-۱. واژه‌های مرتبط با موضوع.....
۳۶	۹-۱. مبانی رجال‌شناسی کتاب
۵۳	نتیجه‌گیری.....
۵۴	یاداشت‌ها
۵۷	فصل ۲. تشبیه به جنس مخالف در بازیگری.....
۵۷	مقدمه
۵۷	۱-۲. بازیگری زنان و مردان در نقش یکدیگر.....
۵۷	۲-۱-۱. مقدمه
۶۴	۲-۲-۲. ادله حرمت تشبیه به معصومین

۶ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

۸۲	۳-۲-۲. دلایل جواز.....
۸۹	۲-۲. تشبیه به جنس مخالف در لباس پوشیدن.....
۸۹	۱-۲-۲. مقدمه.....
۹۱	۲-۲-۲. پوشیدن لباس جنس مخالف در آراء فقهاء.....
۱۱۳	۳-۲-۲. حکم پوشیدن لباس شهرت.....
۱۲۲	۴-۲-۲. ذلت مومن.....
۱۲۳	۵-۲-۲. سنت.....
۱۲۵	۶-۲-۲. اجماع.....
۱۲۶	نتیجه‌گیری مبحث.....
۱۲۷	۳-۲. آرایش چهره بازیگر(گریم).....
۱۲۷	۱-۳-۲. مقدمه.....
۱۳۱	۲-۳-۲. هنر آرایشگری (گریمور).....
۱۳۳	۳-۳-۲. گریم جنس مخالف.....
۱۳۵	۴-۳-۲. گریم جنس موافق.....
۱۸۴	بی‌نوشت‌ها.....
۱۹۳	فصل ۳. روابط زنان و مردان بازیگر در هنگام نمایش
۱۹۳	مقدمه.....
۱۹۴	۱-۳. حدود روابط زن و مرد.....
۱۹۴	۱-۱-۳. اعتدال.....
۱۹۷	۲-۱-۳. دیدگاه‌های مختلف در مورد ارتباط زن و مرد.....
۲۰۶	۲-۳. ارتباط زنان و مردان بازیگر در نمایش.....
۲۰۶	۱-۲-۳. مقدمه.....
۲۱۶	۲-۳. نگاه کردن زنان و مردان بازیگر به یکدیگر.....
۲۱۶	۱-۳-۳. مقدمه.....
۲۶۰	۴-۳. پوشش زنان و مردان بازیگر.....
۲۶۰	۱-۴-۳. مقدمه.....
۲۹۷	۵-۳. تماس بدنی زنان و مردان بازیگر.....
۲۹۷	۱-۵-۳. مقدمه.....
۳۰۵	۶-۳. گفتگوی زنان و مردان بازیگر.....
۳۰۵	۱-۶-۳. مقدمه.....

فهرست مطالب ۷ □

۳۲۲.....	۷-۳. ابراز احساسات و گفتگوهای تحریک‌کننده زن و مرد بازیگر.
۳۲۲.....	۱-۷-۳. مقدمه
۳۶۱.....	فصل ۴. نتیجه‌گیری و جمع‌بندی
۳۶۱.....	مقدمه
۳۶۶.....	۴-۱. تشبيه به معصومین
۳۶۹.....	۴-۲. تشبيه به جنس مخالف
۳۷۰.....	۴-۳. گریم (چهره‌آرایی)
۳۷۳.....	۴-۴. اختلاط
۳۷۳.....	۴-۵. نگاه
۳۷۴.....	۴-۶. پوشش
۳۷۴.....	۴-۷. تماس بدنی
۳۷۵.....	۴-۸. گفتگو
۳۷۶.....	۴-۹-۱. ابراز احساسات
۳۷۷.....	بادداشت‌ها
۳۷۸.....	بی‌نوشت‌ها
۳۷۹.....	منابع و مأخذ
۴۰۳.....	نمايه

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ أَتَيْنَا دَأْرُودَ وَ سَلَيْمَنَ عِلْمًا وَ قَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَّنَا عَلَيْكَثِيرًا مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه الشمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعدد، بانقووا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «ترکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول تیست خالصانه و

۱۰ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانشآموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مكتب علمی امام صادق علیه السلام را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی (ره) و قرار گرفتن فقه در مصدر اداره حکومت، افق‌های نوینی فرا روی فقه امامیه قرار گرفت که سابقه تاریخی نداشت و البته این عدم سابقه نه نقشی بر فقه و نه بر فقه‌های عظام امامیه محسوب می‌شود، چرا که بسیاری از این مسائل خروج از محل ابتلاء داشت و نیز به نوعی با تقيه‌ای که نصب‌العين آن بزرگواران بود، ناسازگار می‌نمود. فقه مسئله محور و آن هم بیشتر ناظر به مسائل شخصی و یا اجتماعی غیر سیاسی بود. برای اداره کشور فقه می‌بایست وارد حوزه "نظم‌سازی" شود و با طراحی نظام‌های متعدد جامعه هم به اداره کشور بپردازد و هم با نظمات موجود رابطه برقرار نماید.

انتقال فقه از یک نگاه بیشتر فردی به حوزه مباحث اجتماعی سیاسی و یا قرار گرفتن فقیه به عنوان حاکم جامعه، الزامات و تبعات متعددی دارد که باید عالمانه مطمئن نظر قرار گیرد، بایسته‌های فقه نظام‌ساز، و قبل از آن چیستی و چگونگی آن نیازمند تحقیق و تدقیق عالمانه است. فقه حکومتی به معنای پرداختن به مسائل حکومتی فقه نیست، چنانکه برخی مطرح کرده‌اند بلکه به معنای تفکه از جایگاه حکومت و نگریستن به مسائل فقهی از منظر حاکمیتی است که در این نگاه چه بسا برخی مسائل فردی نیز تغییر حکم یا اگر فقه بخواهد تئوری حکومت و اداره انسان از گهواره تا گور باشد باید این تحول را البته با علم و آگاهی به تمام لوازم آن پذیرا باشد و جز این حرکتی به نتیجه نخواهد رسید. تجربه چند دهه گذشته نشان داده بین "مشروع‌سازی" نظام‌های وارداتی و نظام‌سازی بر اساس فقه تفاوتی بس چشمگیر وجود دارد و اگر نظام بخواهد در سطح کلان خود اسلامی باشد، باید به سراغ نظام‌سازی برود و از خطر مشروع‌سازی

۱۲ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

بر حذر باشد. مانند کاری که شهید آیت الله سید محمد باقر صدر در حوزه اقتصادی به انجام رساندند. فقه و نظام‌سازی دغدغه جدی چندین ساله مطالعات، نوشه‌ها و تدریس‌های اینجانب در دانشگاه امام صادق (ع) بوده که یکی از محورهای آن فقه فرهنگ و ارتباطات می‌باشد و محصول آن چندین مقاله در تبیین فقه و نظام‌سازی در حوزه فرهنگ به معنای عام آن و تدوین درسنامه و... می‌باشد. جناب آقای بیژنی که از دانشجویان کوشای فقه دانشگاه امام صادق (ع) بوده با جدیت و حوصله به یکی از مباحث مهم این حوزه، مسئله بازیگری در قالب پایان نامه پرداخته و به دیده حق و انصاف زحمات طاقت فرسایی را متحمل شده‌اند و اسناد روایات و دلالت آنها و تتبع در کلمات فقهای عظام را به خوبی سamanدهی کرده و با نگاه نظام‌سازی تحلیل و بررسی نموده و خلاصه مباحث را نیز نشان داده است که هم اینک به جامعه علمی کشور در قالب کتاب تقدیم می‌گردد. امیدوارم که تلاش و میجاهده ایشان مقبول حضرت احادیث و مورد استفاده فرهیختگان جامعه قرار گیرد.

حجه السلام والمسلمین دکتر حسینعلی سعدی
رئیس دانشکده الهیات دانشگاه امام صادق (ع)

پیشگفتار

آنچه را که در مباحث فقه به عنوان تعیین کننده حوزه عمل و رفتار مسلمانان به عنوان مباحث جدید مطرح می شود را عنوان "مستحدمه" می نامند که در طول تاریخ اسلام و فقه پویا و اجتهاد تشیع کم نبوده است. این موضوعات همراه با رشد مسائل جامعه اسلامی، گستره بیشتری از مباحث را شامل می گردد، و از این رو توجه بیشتری از سوی محققین را طلب می نماید. یکی از این موضوعات جدید که وارد دنیای فقه و فقاهت شد و به عنوان یکی از مسائل مستحدمه مورد بحث و گفتگوی جدی قرار گرفت، موضوع هنرهای نمایشی از دیدگاه فقه امامیه می باشد. با توجه به عدم وجود عنایین سینما و نمایش (به طور خاص) در گذشته و در نتیجه عدم رد یا تأیید مستقیم آنها از سوی شارع، و نیز تأثیرپذیری گستره جامعه کنونی از این پدیده‌ها، باید آن را یکی از مسائل مستحدمه‌ای دانست که ضرورت قرار گرفتن آن در کانون توجه علماء و محققین حوزه فقه احساس می گردد.

هنرهای نمایشی ابعاد بسیار گسترده و گوناگونی در حوزه‌های مختلف از جمله در تئاتر، سینما، سریال‌های تلویزیونی و... دارند. طرح مسئله جایگاه هنرهای نمایشی در فقه تشیع، با توجه به بهره‌مندی‌های گوناگون و اغلب واژگونه و غیر اخلاقی که از این گونه هنرهای بسیار مهم و تأثیرگذار جهانی می شود و نیز با توجه به ورود، تأثیر و تحمیل خواه ناخواه این هنرها بر زندگی بشری، بسیار ضروری و حائز اهمیت می باشد. یادآور می شود علی‌رغم استفاده از این هنرها در مسیر ابتذال اخلاقی و تعارض با ارزش‌های دینی در دنیای کنونی، توانمندی آنها در تأثیرگذاری مثبت در حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی قابل تأمل می باشد. هنرهای نمایشی که امروزه به شدت افکار و

مظاهر ضد دینی را ترویج و تبلیغ می‌کنند اگر در خدمت اهداف دینی در آیند و برنامه‌هایی درجهت مخالفت با احکام و مظاهر دین نداشته باشند، می‌توانند مورد تأیید علمای دین قرار بگیرند.

به عنوان نمونه، تعزیه خوانی برای امام حسین (ع)، نوعی از هنر نمایش است. این هنر، هرچند همانند شعر و تلاوت قرآن، ریشه در زمان معمصومان (ع) ندارد، ولی از زمانی که در خدمت عزاداری امام حسین (ع) در آمده، توجه فقیهان اسلام را به سوی خود جلب کرده است و گرچه فقهها برخی در نفی و برخی در اثبات آن نظر دارند، ولی در مجموع و به مرور زمان موافقان بیشتری یافته است. چنانکه امام (ره) قائل است: شبیه‌خوانی و تعزیه اگر مشتمل بر محترمات و موجب وهن مذهب نباشد، مانعی ندارد، ولی بهتر است به جای آن، مجالس روضه خوانی برپا کنند.^۱ هنر نمایشی تعزیه با توجه به اینکه در طول زمان مورد بحث و تبادل نظر فقهای امامیه قرار گرفته است و موافقین و مخالفین زیادی در بین علماء داشته است ولی با توجه به اینکه بر مبنای گسترش فرهنگ عاشورایی و حسینی در سطح جامعه بوجود آمد، مورد تأیید علمای دین قرار گرفت و این نشان از این دارد که هر کاری که باعث بسط و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه مسلمین شود با توجه به رعایت ضوابط اسلامی در اجرای آن، می‌تواند مورد پذیرش و قبول علمای دین قرار گیرد. در هنرهای نمایشی، از جمله در تعزیه چهار عنصر، نقش اساسی دارند:

۱. موضوع ۲. پیام ۳. چارچوب ۴. هنرمند

مکتبی بودن هنر، ایجاب می‌کند که همه این عناصر، با موازین شرعی و معیارهای اسلامی، سازگار باشند. هنرمندان مکتبی، نسبت به هر یک از این عناصر، پرسش‌هایی دارند که بخشی از آنها به فقها مربوط می‌شود که باید پاسخ دهند. با توجه به اینکه برخی از مسائل مربوط به هنرهای نمایشی مانند روابط بین زن و مرد، موسیقی، گریم، تشیه زن به مرد و..... در تعزیه نیز وجود دارد. با استفاده از فتاوی و احکامی که علمای قدیم در مورد احکام تعزیه صادر کردند. علاوه بر اینکه، می‌توان احکام و فتاوی صادره از ایشان را در مورد تعزیه توسط فقهای معاصر مورد بررسی و نقد کارشناسانه قرار داد، از طرف دیگر می‌توان به بسط و گسترش مبانی فقهی آراء و فتاوی ایشان در

۱. رک: امام خمینی، استفتانات، ج ۲، صص ۲۷-۲۸

مورد این هنر نمایشی و کاربرد این مبانی فقهی در دیگر حوزه‌های هنرهای نمایشی نیز استفاده مطلوب را کرد.

یکی از مسائل مهم در حوزه هنرهای نمایشی، بحث وجود روابط آزادانه و بادون چارچوب دینی بین زن و مرد بیگانه است که در این نمایش‌ها وجود دارد و با مبانی دینی ما ناسازگار می‌باشد. بررسی ابعاد فقهی رابطه زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه دارای سابقه چندان طولانی نمی‌باشد. به دلیل جدید بودن این موضوع در هنرهای نمایشی، در طول تاریخ مطالب و فتاوی زیادی از فقها در این رابطه نوشته نشده است با نظر به اینکه در نظرات فقهی دوره قاجاریه، رابطه زن و مرد در تعزیه به دلیل عدم ابتلاء آن در هنر مذکور و عدم استفاده از عنصر زن در این گونه نمایش‌ها به دلیل ساختار جامعه آن روز، مطرح نبوده، مباحث مربوط به روابط زن و مرد بازیگر نیز در رساله‌های فقها به طور جدی و مستقل جایی نداشته است واين مسئله از زمان پیدایش هنرهای نمایش در ایران به علت عدم حضور زن در این گونه نمایش‌ها مورد توجه جدی علمای دین قرار نگرفته است و فقها هر کدام به طور جداگانه به بحث و تبادل نظر در این مورد نپرداخته است. با توجه به اینکه اولين هنر نمایشی که در حوزه دین مطرح شد، هنر نمایشی تعزیه بود. فقها با بررسی و کنکاش همه جوانب این نمایش، تنها در صورتی فتوا به حرمت آن ندادند که در اجرای این نمایش از زن استفاده نشود یا اگر زن در این نمایش حضور می‌باید، باید حضورش در نمایش کمرنگ باشد و بیم مفسده از حضور زن در نمایش نرود. بر این اساس، تنها در مبحث تعزیه مباحثی صورت گرفته و فتاوی محدودی صادر شده است. سیر تاریخی در مسئله تعزیه حاکی از آن است که، علمای شیعه نه تنها با تعزیه به معنای اصیل آن و با حفظ ظواهر مذهبی، آیینی و تاریخی و رعایت شرایط حدود آن، مخالفتی نداشته اند، بلکه برانجام آن به عنوان یکی از ماندگارترین روش‌های ترویج فرهنگ و پیام عاشورا و ترسیم نمادین تاریخ کربلا تأکید کرده‌اند.

مهمنترین نظراتی که در این رابطه مطرح شده است، عبارتند از:

- ۱) فتاوی مرحوم میرزا قمی در کتاب فقهی «جامع الشتات» در رابطه با حکم تشییه به ائمه معصومین (ع).

(۲) فتاوای آیت الله نایینی که در کتاب «بکاء الحسینی» علامه طباطبائی به طور مسروح بیان گردیده است.

(۳) نظرات مرحوم کاشف الغطاء که علامه شرف الدین عاملی در کتاب «المجالس الفاخره فی ماتم العترة الطاهره» در رابطه با سوگواری و شبیه خوانی آورده است.

(۴) در رساله «ذخیره العباد»، آیت الله زین العابدین مازندرانی با حواشی آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله سید اسماعیل صدر، نیز بحث شبیه خوانی به عنوان عملی مملوک معروفی شده است. این در حالی است که بزرگانی چون استاد مطهری نیز در کتاب حمامه حسینی خود به این مبحث پرداخته‌اند. در عصر حاضر با توجه به مطرح بودن رابطه زن و مرد در هنرهای نمایشی و عدم پژوهش جامع و کافی در این باره به نظر می‌رسد که، بررسی ابعاد فقهی مختلف آن با رویکردی جدید، امری مهم و ضروری می‌باشد.

امروزه در بحث هنرهای نمایشی، ترکیبی متناسب از هنرهای هفتگانه، همراه با آمیزه‌های بهینه‌ای از توازن، تناسب، تعادل و زیبایی، یک هنر نمایشی کمال‌گرا به نام سینما را بوجود آورده، که می‌تواند در ترویج روحیه عدالت‌خواهی و حاکمیت ارزش‌های معنوی در جامعه سهم بسیاری داشته باشد و به عنوان زبان اندیشه، احساس، تعقل و فرهنگ در زندگی پرتلاطم امروز بشر به عنوان مهمترین ابزار تقویت هویت فرهنگی، انتقال اندیشه‌های سازنده، رشد آگاهی‌های عمومی و ارائه الگو رفتاری ایده‌آل و مبتنی بر اسلام و تصویرگر زندگی انسان امروزی، عمل نماید. سینما یک پدیده کاملاً غربی است و ایجاد آن هیچ ارتباطی به تمدن شرقی ندارد. اگرچه شرق استفاده بسیار بالایی از آن نموده است، ولی سابقه و پیشینه‌ای در شرق نداشته، بلکه سابقه آن همانطور که اشاره شد، به غرب باز می‌گردد. شرق به دلیل ویژگی‌های تاریخی و روان‌شناسی خود، نمی‌تواند، مبتکر و مبدع سینما در زندگی انسان باشد.

اولاً: به این دلیل که، در تاریخش سابقه نداشته است که، در تصویرسازی سمبولیک خود از "حرکت" استفاده کند.

ثانیاً: به دلیل اینکه ذات انسان شرقی، ذات درون‌گرا، اشراق‌گرا، و دل‌گرا است و این ذات درون‌گرا، اجازه‌ی خلق پدیده‌ای را که ظاهرگرایی و بیرون‌گرایی می‌کند، نمی‌دهد و این عدم سابقه تاریخی، شرق را در برخورد با این پدیده به شکل‌های مختلف دچار

بحران کرده است. از جمله ملت ایران نیز که در این تمدن قرار گرفته، بحران‌هایی از این دست را بسیار پشت سر گذاشته است و همچنان نیز در پیش رو دارد. در حالی که تمدن شرقی (به‌دلیل ذکر موارد بالا) در مواجهه با سینما بحران را طی می‌کند، تمدن غربی به‌دلیل (حرکت) همگام و هم مرحله به نتایج بهتری دست می‌یابد. (تندگویان، بی‌تا، صص ۲۳۹-۲۳۸)

سینما به عنوان یکی از مظاهر تمدن جدید هنر، صنعتی است که نمی‌توان منکر تأثیر شگرف و گستردگ آن بر فرهنگ عامه بود و به مقتضای ماهیت خود می‌تواند پیام‌هایی را متناسب با نیات درونی فیلمساز به گروه پیام‌گیران منتقل سازد. صنعت سینما از بدو پیدایش، در بستر تکنولوژی زاده شده و لاجرم روح تکنولوژیک حاکم بر آن، سمت و سویی خاص به این رسانه بخشیده است و همانگونه که طی یک قرن گذشته زبان‌دوزان و زورمداران دنیا سینما را بر مبنای معیارهای پست و بی‌ارزش خویش تعریف کرده‌اند، بر اندیشمندان و فرهیختگان جامعه واجب است تا متناسب با ساختار و اهداف فرهنگی اجتماعی مورد نظر خویش، تعریف نوینی از این هنر تکنولوژیک بر مبنای جهان‌بینی توحیدی و شریعت اسلام به دنیای بحران زده امروز ارائه دهند. تعریفی که ضمن در نظر داشتن توانایی‌ها و محدودیت‌های فنی این رسانه، متضمن ارزش‌های متعالی و مفاهیم عمیق دینی بوده و چهره نوینی از هنر اسلامی را به جهانیان عرضه نماید.

از طرفی موضوع زن و تلقی هر فرهنگ، نظام و نحوه ارائه الگو از شخصیت زن در تولیدات فرهنگی و خصوصاً سینما یکی از بهترین شاخص‌ها در ارزیابی عملکرد فرهنگی آن نظام به حساب می‌آید و سینما باید با نگاه معرفت‌شناختی بر اساس خاستگاه و مبانی برگرفته از اسلام ناب به زن در محصولات خود بنگرد و شخصیت زن را از پیرایه‌ها و رسوم بدوى و خرافی گذشته پاک نماید و پیشرفت‌های زنان را به عنوان محور اصلی در توسعه کمی و کیفی، فرهنگ و معنویت، تربیت نیروی انسانی بالنده و پویا به تصویر بکشاند و از این رهگذر، اصلاح‌گر نگرش‌های غلط و فاقد اصالت نسبت به زنان باشد.

از آغاز اختراع سینماتوگراف در غرب و سپس ورود آن به ایران در سال ۱۳۰۳ق. ناسازگاری مشی سینما را با هویت اصیل و انسانی زن در سینما شاهد بوده‌ایم. در اولین حضور جدی زن در سینمای ایران، متأسفانه نگاه خرافی به زن وارد سینمای کشور شد.

۱۸ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

این سینما در بازنمایی شخصیت زنان، به ارائه نقش‌های منفی، تبهکار، فریب خورده، بدنام و سرخوردگان اجتماعی پرداخت و این نوع شخصیت‌پردازی در آثار فیلمسازان موج نو که در ارائه غیرتجاری و نگاهی نو از سینما تلاش می‌کردند، تأثیرات مشهود داشت، زیرا فیلم فارسی‌سازی تبدیل به یک جریان قدرتمند سیاسی شده بود.

در این جلوه از سینمای ایران، زنان موجوداتی غیرهدفمند، بازیچه و منفعل ترسیم شده‌اند که به‌دلیل عدم برخورداری از قوه تحلیل و تفکر، همواره اسیر احساسات خویشتن هستند. زنان در این سینما، عمدتاً تبهکار و قاچاقچی تصویر می‌شوند و اگر دارای شخصیت مثبت باشند، معمولاً گوشنهشین و منزوی، ساده‌لوح و فاقد پویایی و حرکت‌اند، لذا هیچ‌گاه نقش حقیقی زن ایرانی و مسلمان و تأثیر او در عرصه سیاست و حکومت و مقابله با سیاست‌های استکباری و صهیونیستی و تهییج‌کننده افکار و احساسات برعلیه ظلم و جور داخلی و خارجی به تصویر کشیده نشد.

با پیروزی انقلاب اسلامی، حضرت امام (ره) استراتژی نظام را در خصوص سینما تعیین نمودند و فرمودند: «ما با سینما مخالف نیستیم، بلکه با فساد و فحشاء مخالفیم» (امام خمینی، ۱۳۷۰، ج ۱۰، ص ۱۱) با این اندیشه، شخصیت زن که در جاهلیت گذشته و جاهلیت مدرن قرن بیستم چار بی‌مهری‌ها و ناملایمات زیاد شده بود، احیاء گردید و آفتاب اسلام از افق ایران طلوع نمود. امام خمینی (ره)، زن را در جایگاه واقعی خود قرار داد و زنان با توجه به تحولی اساسی که در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ما پدید آمده بود، در کلیه عرصه‌ها حضور یافتند. هرچند فیلمسازان با وقوع انقلاب اسلامی، در پی شناخت موقعیت جدید، به دلیل فقدان تحلیل‌های مناسب از شرایط، در ورطه بلا تکلیفی افتادند و همین موجب گردید که در سال‌های اولیه انقلاب، سینما تقریباً ناچار به حذف زن گردد. از سال ۶۴ نسل نو اندیش سینما که در انقلاب اسلامی مستحیل گشته و با آرمان‌ها و ارزش‌های ایدئولوژیک خویش در صدد بود تا طرحی نو در هنر و صنعت سینما در افکند، شروع به حرکت نمود، البته این حرکت با افت و خیزهایی نیز همراه بود. (محتممی، بی‌تاء، ج ۱، ص ۳۰)

در ابتدای انقلاب گروهی از سینماگران تجاری ضمن پیروی از فرمول‌های هالیوودی حضور زن در سینما، برآن بودند که زن عنصری جنسی است و لذا حتماً باید از آن استفاده جنسی کرد. در مقابل گروهی نیز با پذیرفتن اینکه زن عنصری جنسی

است و حضور او در سینما بالطبع به اشاعه مسائل ضد اخلاقی متهمی می‌شود، موافق حذف یکسره این عنصر از سینما شدند. سینمای پس از انقلاب به طور کلی با این دو دیدگاه، یعنی حذف زن و یا سوءاستفاده از این عنصر، برای تضمین فروش فیلم در گیر بوده است. اما با اعلام شدن برخی سیاست‌های رسمی و دیدگاه نه چندان روشن و آشکار فیلمسازان، می‌توان به سه شکل کلی حضور زن در سینمای ایران که قبل از این نگرش‌ها قابل استنتاج است، اشاره کرد:

۱- زن به عنوان نیمی از جامعه:

نیمی از جمعیت کشور را زنان تشکیل می‌دهند. زن می‌تواند یک عنصر فعال اجتماعی، یک مبارز، یک زن خانه‌دار، یا یک ضد قهرمان و به طور کلی عنصری همانند مرد باشد. این دیدگاه می‌تواند حضور زن را مانند حضور مرد در هنرهای نمایشی از جمله در سینما عنوان کند، بدون اینکه با جلوه‌های جنسی او سر و کاری داشته باشد. در اینجا هیچ هدف خاصی از حضور زن، غیر از حضوری انسانی مدنظر نیست. واقعیت این است که، این شکل حضور زن تنها در محدودی از آثار سینمایی جهان و محدودتری در سینمای ایران وجود دارد.

۲- زن به عنوان یک عنصر جنسی:

این وجه، رایج ترین شکل حضور زن در سینمای جهان و ایران بوده است، در سینمای گذشته ایران چنانکه ذکر شد، این حضور بسیار گسترده بوده، اما سینمای پس از انقلاب با محدودیت‌های فراوان اخلاقی، خوشبختانه باعث قطع این حضور گشته است.

۳- زن به عنوان الگو:

آنچه درباره حضور زن در جامعه و بالطبع در سینمای ایران باید مد نظر قرار گیرد با آنچه در باب زن به عنوان الگو می‌توان مدعی آن شد، متفاوت است. عرضه چهره‌ای که بخشی از مشخصه الگوهای تاریخی -ستنی فرهنگ ما را در بر داشته باشد، وظیفه سینماگران کنونی است که تاکنون از انجام آن باز مانده اند. مسلمًاً سینمای بعد از انقلاب به آسانی به این مرزها دست نخواهد یافت و طبیعی است که به این آسانی هم از رسیدن به آنها نباید نامید شد.

۲۰ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

در عصر حاضر با توجه به مطرح بودن رابطه زن و مرد در هنرهای نمایشی سینما، تئاتر و تلویزیون و عدم پژوهش جامع و کافی در این باره، به نظر می‌رسد که، بررسی ابعاد فقهی مختلف آن با رویکردی جدید، امری مهم و ضروری می‌باشد.

در این کتاب از دو جهت به بررسی مباحث بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی از دیدگاه فقه امامیه پرداخته شده است:

(الف) غالباً در مباحث فقهی، نام و نشانی از بیان احکام فیلم و سینما حتی در کتاب‌هایی که معاصران به رشتہ تحریر در آورده‌اند، وجود ندارد، بنابراین لازم است که در اینجا به آنها پرداخته شود.

(ب) اساساً برخی از عنوانین منطبق بر فیلم در هیچ کجای فقه مورد بحث مستقل قرار نگرفته‌اند، مانند استفاده از موى مصنوعی یا گونه و امثال آن در نمایش.

بسیار روشن است که، تعداد عنوانین منطبق بر ساخت فیلم می‌تواند بسیار متعدد باشد و بدیهی است که پرداختن به همه آنها در این مجال نه ممکن است و نه لازم، بنابراین آن دسته عنوانینی به بوته بررسی سپرده می‌شوند که بیشتر محل ابتلاء و پرسش اهالی هنر و نیز مردم قرار می‌گیرند. آن عنوانین عبارتند از:

- ۱) بازیگری در نقش پیامبران و ائمه معصومین (ع).
- ۲) بازیگری زنان و مردان در نقش یکدیگر.
- ۳) پوشیدن لباس جنس مخالف.
- ۴) آرایش (گریم)، چهره زن بازیگر.
- ۵) روابط بین زنان و مردان بازیگر.
- ۶) گفتگوهای بین زنان و مردان بازیگر.

در هنگام اجرای نمایش، انطباق مجموعه عنوانین بر مجموعه اجزاء فیلم در حین ساخت باید مورد توجه قرار بگیرد، با صرف نظر از اینکه، این رفتار "مکلف" مورد تصویربرداری قرار گرفته و حکم تصویربرداری نیز جایز باشد، بهدلیل انطباق و شمول یک عنوان ثانوی بر این "رنوار خاص مکلف" باید باشیم و حتی می‌توان چنین گفت: با حذف فرضی دوربین و ساخت فیلم، اصلاً عنوان، یک عنوان اولی می‌باشد، یعنی پرسیده می‌شود که حکم اختلاط زن و مرد نامحرم چیست؟ پس در حقیقت می‌شود از دو زاویه به مسئله نگاه کرد، یک مرتبه به یک رفتار، از آن جهت که بازی در فیلم است،

نگریسته شود (عنوان ثانوی) و یک مرتبه به همان رفتار نه از آن جهت که مورد فیلم برداری قرار گرفته، بلکه به لحاظ ذات خودش نگاه می‌شود که در این حالت، عنوان، عنوان اولی است، یعنی یک عنوان خاص از عنوانین اولیه بر این رفتار انطباق می‌یابد.

دراین کتاب، از حکم شرعی بازیگری زن و مرد و احکام حکم فرما بر روابط بین زن و مرد نامحرم در مورد فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی و تئاتر بحث می‌شود که در این‌گونه فیلم‌ها و نمایش‌ها بسیار متداول است و در اینجا بحث از جهت ارتباط نزدیک میان زنان و مردان نامحرم است که لازمه این نوع نقش‌های مختلط می‌باشد. یعنی در این کتاب، ما از حیث عنوان اولی به این قضیه نگاه می‌کنیم به عنوان ثانوی.

دراین نوع بازی‌ها، زنان و مردان نقش‌های مختلفی را در ارتباط با هم دیگر ایفا می‌کنند: روابط عاشقانه و خانوادگی، از جمله همسر بودن، مادر بودن، خواهر بودن و.... در پایان این مقدمه، لازم به توضیح است که این کتاب از چهار فصل تشکیل گردیده است. فصل اول شامل کلیات و فصل دوم شامل تشبه مردان بازیگر به زنان بازیگر و بالعکس در هنگام نمایش و فصل سوم شامل روابط بین زن و مرد بازیگر در هنگام نمایش و فصل چهارم جمع‌بندی و نتیجه‌گیری این مباحث می‌باشد.



کلیات

مقدمه

قبل از اینکه وارد بحث از تعاریف و زیر مجموعه‌های آن و مبادی تصوریه موضوع شویم، حائز اهمیت است که، از مسائلی مانند تبیین موضوع و اهمیت آن، اهداف و فوائد تحقیق، پیشینه موضوع، پیشینه تحقیق، سوالات تحقیق، روش تحقیق سخن به میان آوریم تا مخاطب با دیدی بهتر و شفاف تر بتواند به تحلیل داده‌ها و پردازش مطالب پردازد. از آنجا که تبیین موضوع و اهمیت آن در یک پژوهش از جایگاه ویژه‌ای برای فهم مطلب و موضوع برخوردار است، ابتدا به تبیین موضوع و اهمیت آن می‌پردازیم:

۱-۱. تبیین موضوع و اهمیت آن

آنچه را که در مباحث فقه به عنوان تعیین کننده حوزه عمل و رفتار مسلمانان به عنوان مباحث جدید مطرح می‌شود را عنوان "مستحدثه" می‌نامند که در طول تاریخ اسلام و فقه پویا و اجتهاد تشیع کم نبوده است. این موضوعات همراه با رشد مسائل جامعه اسلامی، گستره بیشتری از مباحث را شامل می‌گردد، و از این رو توجه بیشتری از سوی محققین را طلب می‌نماید. یکی از این موضوعات جدید که وارد دنیای فقه و فقاہت شد و به عنوان یکی از مسائل مستحدثه مورد بحث و گفتگوی جدی قرار گرفت، موضوع هنرهای نمایشی از دیدگاه فقه امامیه می‌باشد. با توجه به عدم وجود عنوانی سینما و نمایش (به طور خاص) در گذشته و در نتیجه عدم رد یا تأیید مستقیم آنها از سوی شارع، و نیز تأثیرپذیری گسترده جامعه کنونی از این پدیده‌ها، باید آن را یکی از مسایل مستحدثه‌ای دانست که ضرورت قرار گرفتن آن در کانون توجه علماء و محققین

حوزه فقه احساس می‌گردد. هنرهای نمایشی ابعاد بسیار گستره و گوناگونی در حوزه‌های مختلف از جمله در تئاتر، سینما، سریال‌های تلویزیونی و... دارند. طرح مسئله جایگاه هنرهای نمایشی در فقه تشیع، با توجه به بهرمندی‌های گوناگون و اغلب واژگونه و غیراخلاقی که از این‌گونه هنرهای بسیار مهم و تأثیرگذار جهانی می‌شود و نیز با توجه به ورود، تأثیر و تحمیل خواه ناخواه این هنرها بر زندگی بشری، بسیار ضروری و حائز اهمیت می‌باشد. یادآور می‌شود، علیرغم استفاده از این هنرها در مسیر ابتدا اخلاقی و تعارض با ارزش‌های دینی در دنیای کنونی، توانمندی آنها در تأثیرگذاری مثبت در حوزه‌های اخلاقی و اجتماعی قابل تأمل می‌باشد. هنرهای نمایشی که امروزه به شدت افکار و مظاهر ضد دینی را ترویج و تبلیغ می‌کنند، اگر در خدمت اهداف دینی در آیند و برنامه‌هایی در جهت مخالفت با احکام و مظاهر دین نداشته باشند، می‌توانند مورد تأیید علمای دین قرار بگیرند. عدم تأیید علمای دین در مورد بازیگری زن با مرد در هنرهای نمایشی در گذشته به این دلیل بوده که بازیگری زن در فیلم و تئاتر، غالباً قبل از انقلاب اسلامی، چنان به محترمات شایع آلوده شده بود، که در اذهان مردم متشرع، غالباً نام سینما و فیلم، یادآور رشتی‌های افراد مبتذل، تحت عنوان هنرپیشه و بازیگر بوده است. اقتران غالباً این پدیده با انواع محترمات و تصور عدم ضرورت آن در زندگی انسان، باعث شد که فرد مباحی برای این هنر از دیدگاه علمای در نظر گرفته نشود. لذا فقها در مباحث خود به این موضوع نپرداختند. بعد از انقلاب اسلامی، به این جهت که بازیگری با شئونات اسلامی همراه شد، این مسئله مورد توجه فقهای شیعه قرار گرفت. به نحوی که اکثر آنها با حضور زن در عرصه‌ی هنر و بازیگری در فیلم و تئاتر در صورتی که مفسداتی بر آن مترتب نباشد، مخالفتی نداشتند. نکته‌ی حائز اهمیت این است که، نقش زن در بازیگری، برای الگوده‌ی صحیح از یک زن مسلمان، در صحنه‌های هنری اعم از فیلم و تئاتر، در مقابل الگوهای نادرست و فاسد غرب، امری غیر قابل انکار است. زیرا اسلام به عنوان دینی جاودانه در پی آن است که معارف دینی را به بهترین شیوه و با استفاده از ابزارهای جدید به مخاطبان خود انتقال داده تا از این طریق، عامل هدایت انسان‌ها و رساندن آنان به کمالات انسانی گردد.

کشور ما با داشتن نظامی مبتنی بر اسلام و اعتقاد بر اینکه فقه امامیه الگوی تمام نمای اداره‌ی یک جامعه‌ی مسلمان در تمام دوران‌ها می‌باشد، به جهت برآورده نمودن

نیاز جامعه‌ی سینمایی و تئاتر کشور اسلامی، بایستی پاسخگوی بازیگری زن، البته با حفظ شئونات اسلامی خصوصاً در نقش مادر، همسر یا دختر خانواده و... باشد. از آن جهت که سینما در حال حاضر وسیله‌ای برای آگاهی و تبلیغ شمرده می‌شود، به تصویر کشیدن و ارائه‌ی هر چیزی که در فرایند رشد فکری مردم و ارتقای آگاهی آنان و ترویج فرهنگ اسلامی مؤثر باشد، حائز اهمیت بسیار است. بر این اساس بازیگری زن نقش مهمی در این میان ایفا می‌کند و بیانگر بسیاری از پیام‌ها و معانی فرهنگی و هنری است. لذا بررسی ابعاد فقهی این موضوع و تأمل در حدود ظاهری و باطنی آن، می‌تواند روشنگر بسیاری از مسائل نهفته در فقه امامیه باشد، ارتباط بازیگران زن و مرد در صحنه‌ی نمایش، چگونگی پوشش ایشان و نحوه‌ی ابراز احساسات و عواطف توسط بازیگران زن، از مسائلی است که در حیطه‌ی فقهی بایستی مد نظر قرار گرفته شود.

۱-۲. اهداف و فوائد پژوهش

امروزه در بحث هنرهای نمایشی، ترکیبی مناسب از هنرهای هفتگانه، همراه با آمیزه‌های بهینه‌ای از توازن، تناسب، تعادل و زیبایی، یک هنر نمایشی کمال‌گرا به نام سینما را بوجود آورده، که می‌تواند در ترویج روحیه عدالت‌خواهی و حاکمیت ارزش‌های معنوی در جامعه سهم بسزایی داشته باشد و به عنوان زبان اندیشه، احساس، تعقل و فرهنگ در زندگی پرتلایم امروز بشر به عنوان مهمترین ابزار تقویت هویت فرهنگی، انتقال اندیشه‌های سازنده، رشد آگاهی‌های عمومی و ارائه الگو رفتاری ایده‌آل و مبتنی بر اسلام و تصویرگر زندگی انسان امروزی، عمل نماید. به لحاظ شرعی و عقلی بازیگری زن در صورتی که جنبه‌ی ابزاری نداشته باشد، تا از این طریق مورد طمع دیگران واقع شود، مانع ندارد و البته آشنا شدن جامعه‌ی هنری با احکام فقهی مرتبط با هنر ایشان در نظام اسلامی بسیار حائز اهمیت می‌باشد. سینما به عنوان یکی از مظاهر تمدن جدید هنر، صنعتی است که نمی‌توان منکر تأثیر شگرف و گسترده آن بر فرهنگ عامه بود و به مقتضای ماهیت خود می‌تواند پیام‌هایی را مناسب با نیات درونی فیلمساز به گروه پیام‌گیران منتقل سازد. صنعت سینما از بدلو پیدایش، در بستر تکنولوژی زاده شده و لاجرم روح تکنولوژیک حاکم بر آن، سمت و سویی خاص به این رسانه بخشیده است و همانگونه که طی یک قرن گذشته زراندوزان و زورمداران

دنیا سینما را بر مبنای معیارهای پست و بی ارزش خویش تعریف کرده‌اند، بر اندیشمندان و فرهیختگان جامعه واجب است تا متناسب با ساختار و اهداف فرهنگی اجتماعی مورد نظر خویش، تعریف نوینی از این هنر تکنولوژیک بر مبنای جهان‌بینی توحیدی و شریعت اسلام به دنیای بحران زده امروز ارائه دهند. تعریفی که ضمن در نظر داشتن توانایی‌ها و محدودیت‌های فنی این رسانه، متضمن ارزش‌های متعالی و مفاهیم عمیق دینی بوده و چهره نوینی از هنر اسلامی را به جهانیان عرضه نماید. از طرفی موضوع زن و تلقی هر فرهنگ، نظام و نحوه ارائه الگو از شخصیت زن در تولیدات فرهنگی و خصوصاً سینما یکی از بهترین شاخص‌ها در ارزیابی عملکرد فرهنگی آن نظام به حساب می‌آید و سینما باید با نگاه معرفت‌شناختی بر اساس خاستگاه و مبانی برگرفته از اسلام ناب به زن در محصولات خود بنگرد و شخصیت زن را از پیرایه‌ها و رسوم بدروی و خرافی گذشته پاک نماید و پیشرفت‌های زنان را به عنوان محور اصلی در توسعه کمی و کیفی، فرهنگ و معنویت، تربیت نیروی انسانی بالنده و پویا به تصویر بکشاند و از این رهگذر، اصلاح‌گر نگرش‌های غلط و فاقد اصالت نسبت به زنان باشد.

در این کتاب سعی شده، جایگاه فقه و احکام اسلامی را که در واقع بیانگر برنامه‌ریزی یک انسان در تمام ادوار زندگی اوست را در زمینه‌ی بازیگری زن و مرد، اعم از پوشش و گفتار و رفتار مورد نظر قرار داده تا از این طریق به برخی از مسائل فقهی مراکز هنری، خصوصاً سینما و تلویزیون، پاسخ داده شود.

۱-۳. پیشینه موضوع

بررسی ابعاد فقهی رابطه زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه دارای سابقه چندان طولانی نمی‌باشد. به دلیل جدید بودن این موضوع در هنرهای نمایشی، در طول تاریخ مطالب و فتاوی زیادی از فقها در این رابطه نوشته نشده است با نظر به اینکه در نظرات فقهی دوره قاجاریه، رابطه زن و مرد در تعزیه به دلیل عدم ابتلای آن در هنر مذکور مطرح نبوده، مباحث مربوط به رابطه زن و مرد بازیگر نیز در رساله‌های فقها به طور جدی و مستقل جایی نداشته است و این مسئله از زمان پیدایش هنرهای نمایش در ایران به علت عدم حضور زن در این گونه نمایش‌ها مورد توجه جدی علمای دین قرار نگرفته است و فقها هر کدام به طور جداگانه به بحث و تبادل نظر در این مورد

نپرداخته‌اند. با توجه به اینکه اولین هنر نمایشی که در حوزه دین مطرح شد، هنر نمایشی تعزیه بود. فقهاء با بررسی و کنکاش همه جوانب این نمایش، تنها در صورتی فتوا به حرمت آن ندادند که در اجرای این نمایش از زن استفاده نشود یا اگر زن در این نمایش حضور می‌یابد، باید حضورش در نمایش کمرنگ باشد و بیم مفسده از حضور زن در نمایش نرود. بر این اساس، تنها در مبحث تعزیه مباحثی صورت گرفته و فتاوی محدودی صادر شده است. سیر تاریخی در مسئله تعزیه حاکی از آن است که علمای شیعه نه تنها با تعزیه به معنای اصلی آن و با حفظ ظواهر مذهبی، آیینی و تاریخی و رعایت شرایط حدود آن، مخالفتی نداشته‌اند، بلکه برانجام آن به عنوان یکی از ماندگارترین روش‌های ترویج فرهنگ و پیام عاشورا و ترسیم نمادین تاریخ کربلا تأکید کرده‌اند. مهمترین نظراتی که در این رابطه مطرح شده است عبارتند از:

- ۱) فتاوی مرحوم میرزا قمی در کتاب فقهی «جامع الشتات» در رابطه با حکم تشییه به ائمه معصومین (ع).
- ۲) فتاوی آیت الله نایینی که در کتاب «بکاء الحسینی» علامه طباطبائی به‌طور مشروح بیان گردیده است.

۳) نظرات مرحوم کاشف الغطاء که علامه شرف الدین عاملی در کتاب «المجالس الفاخره فی ماتم العترة الطاهره» در رابطه با سوگواری و شبیه خوانی آورده است.

۴) در رساله «ذخیره العباد»، آیت الله زین العابدین مازندرانی با حواشی آیت الله میرزا محمد تقی شیرازی، آیت الله سید محمد کاظم یزدی و آیت الله سید اسماعیل صدر، نیز بحث شبیه خوانی به عنوان عملی ممدوح معرفی شده است. این در حالی است که بزرگانی چون استاد مطهری نیز در کتاب حمامه حسینی خود به این مبحث پرداخته‌اند. در عصر حاضر با توجه به مطرح بودن رابطه زن و مرد در هنرهای نمایشی و عدم پژوهش جامع و کافی در این باره، به نظر می‌رسد که بررسی ابعاد فقهی مختلف آن با رویکردن جدید، امری مهم و ضروری می‌باشد.

۱-۴. پیشینه‌ی پژوهش

بازیگری زن در فیلم و تئاتر از مسائلی است که سابقه‌ای در مباحث فقهی نداشته و به خاطر ابتذال در سینما و مورد ابتلا نبودن این مسئله در گذشته مورد نظر فقهاء قرار نگرفته است. ولی با شروع انقلاب اسلامی این وضع تغییر نمود و زن توانست با

حضوری متین و با وقار، همراه با حجاب اسلامی در این عرصه فعالیت نماید. در زمان معاصر فقهاء منعی برای بازیگری زن در فیلم و تئاتر نمی‌بینند و در صورت عدم ترتیب مفسده آن را جایز دانسته‌اند.^[۱] (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱، س ۸۲۲)

در این باره می‌توان به مسائلی که در مباحث کلی مرتبط با موضوع فقهی بحث، مورد نظر قرار گرفته است، مانند بحث نگاه و ارتباط کلامی زن نامحرم و پوشش او اشاره نمود. از جمله کتاب‌هایی که در این باره می‌توان به آن اشاره کرد، دو کتاب "سینما در آینه‌ی فقه" و "موسیقی و غنا در آینه‌ی فقه" از محمد رضا جباران برگرفته از درس خارج فقه آیت الله مروجی می‌باشد. این دو اثر از پژوهش‌های بسیار مورد توجه در این زمینه می‌باشد. ولی در عین حال به تمام جوانب موضوع پرداخته نشده است. به عنوان مثال، در موارد زیادی آدرس جرح و تعديل راویان ذکر نگردیده است. برخی از مباحث مربوط به بازیگری زن مانند حکم گریم و غیره نیز مورد بحث بحث واقع نشده است. کتاب "بازیگری در منابع دینی" از اصغر محمدی همدانی و "آداب سینما و فیلمسازی" اثر سعید عباس زاده از پژوهش‌های دیگری است که می‌توان به آن اشاره نمود. به نظر می‌رسد، مهمترین مقالات و رساله‌های نگاشته شده در این زمینه به شرح زیر می‌باشد:

"چشم انداز فقه بر هنر نمایش" نوشته دکتر یعقوب علی برجی، "هنرهای تصویری و تجسمی" در نگاه شیخ انصاری نوشته احمد ترابی، "مراتب فقهی مخاطبان سینما" نوشته محمد داغستانی و رساله‌هایی با عنوان "سینما در ساحت فقه، پژوهشی در احکام فقهی تصویر متحرک" نوشته حسین ناصری مقدم و "نگرش فقهی بر هنر سینما و نمایش" نوشته علی میرزا نصیری و ناشی که در این مقالات و رساله‌ها به گوشه‌هایی از روابط بین زن و مرد در هنرهای نمایشی اشاره شده است. یکی از امتیازات این کتاب نسبت به کتاب‌های دیگر توجه به ابعاد مختلف بازیگری زن و مرد و بررسی تمام جوانب حضور زن در هنرهای نمایشی از جمله در فیلم و تئاتر می‌باشد.

۱-۵. سوالات اصلی پژوهش

سؤال اصلی: آیا ارتباط زن و مرد بازیگر در حوزه هنرهای نمایشی می‌تواند منطبق بر موازین فقهی باشد؟

سوالات فرعی: الف. حکم «تشبه» مردان به زنان و بالعکس در هنگام نمایش از نگاه فقهای امامیه چیست؟
ب. حکم «رابطه» زنان و مردان در هنگام نمایش در فقه امامیه چه می‌باشد؟

۱-۶. روش پژوهش

بدیهی است که روش به کار گرفته در هر علم، باید با موضوع مورد بررسی تناسب داشته باشد. روش‌های تحقیق در علوم گوناگون، از جمله در علوم اسلامی، از نظر داده‌ها و گزاره‌هایی که از آنها استفاده می‌شود به عقلی و نقلی و تجربی تقسیم می‌شود. این پژوهش با توجه به روش نقلی و اجتهادی (تحلیلی-توصیفی) و روش گردآوری (اسنادی و کتابخانه‌ای) به مسأله‌ی مورد پژوهش می‌پردازد. این روش عبارت است از بررسی متون نقلی که در سه مرحله انجام می‌شود:

- ۱- بررسی وثاقت سندی متن که از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به راویان متن صورت می‌گیرد.
- ۲- بررسی مدلول متن که از طریق عرضه‌ی آن بر ادله‌ی معتبر نقلی و عقلی و تجربی انجام می‌شود.
- ۳- کشف مدلول متن که با مراجعه به قرائن مقامی و مقالی متن حاصل می‌شود.

۷-۱. تعاریف: واژگان کلیدی موضوع

حکم، بازیگری، فیلم، تئاتر، فقه نمایش

- ۱- واژه‌ی حکم، بر خطاب شرعی، که متعلق افعال مکلفین به نحو اقتضاء، تخيیر و وضع می‌باشد، اطلاق می‌شود. (مجاهد، بی‌تا: ص ۲۹۲)
- ۲- انواع حکم:

احکام الهی و گزاره‌های واقعی و وحیانی شرع، در یک تقسیم‌بندی، به تکلیفی و وضعی تقسیم می‌شوند:

الف: احکام تکلیفی:

قدما، احکام شرعیه‌ی تکلیفیه را به "اقتضائیه" و "تخییریه" تقسیم می‌نمایند، "اقتضائیه" احکامی است که اقتضای فعل یا ترک آن وجود داشته باشد، اعم از وجوب،

۳۰ □ بازیگری زن و مرد در هنرهای نمایشی در فقه امامیه

حرمت، استحباب و کراحت. در غیر از این موارد، چنانچه حکمی اقتضای فعل و ترک نداشته باشد، مباح تلقی می‌گردد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۰)

ب: احکام وضعی:

احکام وضعیه از احکام خمسه شمرده نمی‌شود و به‌طور مستقیم به رفتار و کردار انسان مکلف مربوط نمی‌شود، بلکه با قانون گذاری خاص، به‌طور غیر مستقیم، بر اعمال و رفتار انسان اثر می‌گذارد. البته این احکام، گاهی با واسطه و گاهی بدون واسطه با افعال مکلفین ارتباط پیدا می‌کند، لذا به عدد خاصی منحصر نمی‌شود. سببیت، شرطیت، مانعیت، صحبت از انواع احکام وضعی شمرده می‌شوند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۳، ص ۳۲۰)

ج: احکام واقعی و ظاهری:

در تقسیم بندی دیگر احکام به واقعی و ظاهری تقسیم می‌شوند:

احکام واقعی: احکامی که مکلف، از طریق قطعی به آنها دست پیدا می‌کند و بدون لحاظ علم و جهل مکلف، برای موضوع و متعلق جعل گردیده است را "احکام واقعی" می‌گویند. البته احکام واقعی در مقام جعل، متوجه جاهل نیز می‌شود ولی علم یا جهل مکلف، در تنجز و عدم تنجز تکلیف مؤثر نیست. در نگاهی دیگر، احکامی را که توسط ادله اجتهادی ثابت می‌گردد را احکام واقعی می‌گویند. چه این ادله یقین آور باشد، مانند نص قرآن و خبر متواتر و یا از ادله‌ی ظنیه به شمار آید، مانند ظواهر قرآن، خبر واحد از قبیل: حرمت ربا، وجوب نماز، استحباب و کراحت برخی از افعال، صحبت بیع معلوم و بطلان معامله مجهول. (مصطفوی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۲۲۱)

درباره‌ی اباحه نیز باید گفت که برخی ماهیت اباحه را عدم الحكم می‌دانند. عدم الحكم به معنای عدم وجود حرمت، وجوب، استحباب و کراحت می‌باشد. البته این به معنای حکم به تساوی فعل و ترک، نمی‌باشد. به این دلیل که حکم یک اعتبار و پدیده است که نباید لغو باشد. در حالی که اعتبار تساوی فعل و ترک، اثری بر آن مترتب نیست، بر این اساس از لغويات شمرده می‌شود. البته اگر به این اعتبار، اثر قانون‌گذار مترتب گردد، اباحه ماهیت حکمی پیدا کرده و داخل در این بخش می‌گردد. (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۸۰)

البته تردیدی وجود ندارد که ترجیح در مقام عمل و عدم عقاب در فعل و ترک مباح، از آثار مترتب بر اعتبار تساوی فعل و ترک است.

این بخش از احکام که از آن به احکام واقعی تعبیر می‌شود، شامل تمامی احکام اولیه، ثانویه، دائم، موقت و احکامی که حاکم شرع در چارچوب شریعت پدید آورده می‌شود و به طور قطع داخل در شریعت است.

احکام ظاهری: احکام و مجموعلات شرعی که در موضوع آنها، جهل به حکم واقعی لحاظ شده است. جایگاه این احکام پس از فرض حکم واقعی و جهل مکلف به آن می‌باشد. به همین دلیل عالمان فقه و اصول، به این نوع از مجموعلات شرعی، احکام ظاهری می‌گویند. طهارت ظاهری، فساد و بطلان ظاهری معامله و حلیت ظاهری از مصادیق این احکام هستند.

طهارت ظاهری، یعنی چیزی که نجاست واقعی آن مشخص نمی‌باشد. (اصاله الطهاره یا استصحاب طهارت). فساد و بطلان ظاهری معامله، یعنی معامله‌ای که صحت و بطلان واقعی آن مجھول است. (اصاله الفساد و استصحاب عدم نقل). حلیت ظاهری، آنچه حرمت واقعی اش مشکوک است. (اصاله الحل). (علیدوست، ۱۳۸۴، ص ۸۲)

در تقسیم‌بندی دیگر، احکام به واقعی اولی و واقعی ثانوی تقسیم می‌شود. در احکام واقعی اولی، موضوع، اولاً و بالذات، بدون در نظر گرفتن عوارض و عناوین ثانویه مانند اضطرار یا حالت شک و جهل مکلف به واقع، مورد نظر قرار گرفته می‌شود. احکام واقعی ثانوی، به خاطر عارض شدن حالاتی چون اضطرار، عسر و حرج یا عناوینی مانند نذر، یمین و تقیه بر مکلف جعل می‌شود و چون کاربرد این نوع احکام بیشتر در موارد اضطرار است به احکام اضطراری شهرت یافته است. (مشکینی، ۱۳۶۷، ص ۱۲۴)

۱- بازیگری

نمایش یا اجرا توسط عامل، به‌ویژه روی صحنه که تظاهر کردن، باز آفریدن، تجسم بخشنیدن و بازی کردن نقش را در پی دارد، بازیگری گویند. در یک نمایش، رفتار، به‌شیوه‌ای مناسب، از طریق بازی و اجرای نقش مشخص می‌شود. (پورممتاز، ۱۳۷۸، ص ۱۴۵) به‌طور کلی می‌توان گفت بازیگری، پاسخی خلاق و آکنده از پویایی به محرك‌ها، در شرایط یک زندگی فرضی است که به شیوه‌ی زندگی، شخصیت و محیط

زمان و مکانی که در آن زندگی می‌کند، مرتبط است. با این روش افکار و عواطف مورد نظر به تماشاگر منتقل می‌شود. (داد، بی‌تا، ص ۱۷۸)

بازیگر با تمام وجود، با چهره، قیافه و با صدای خود هنر آفرینی می‌کند. وظیفه‌ی او این است که، خود را با نقشی که بر عهده دارد، یکی سازد. صدا، طرز سخن، حالات‌ها، قیافه و به‌طور کلی همه‌ی اعمال و اندیشه‌های او با نقشی که دارد، تطبیق می‌کند. بازیگر از آن جهت که، یک موجود زنده است بایستی همه چیز خود را از یاد ببرد تا از این طریق بتواند احساس دیگری را به نمایش بگذارد. به عبارت دیگر، از این طریق، نقش انسان دیگری را بازی نماید. زن مثل هر انسان زنده، صاحب صدا، چهره، قیافه و حالت خاصی است که با سرشت او آمیخته و مختص اوست. او بایستی تمام این حالات را تغییر داده، تا بتواند خودش را با نقشی که بر عهده اش می‌گذارند، تطبیق دهد. (استوار، ۱۳۸۷، ص ۱۳)

۲- فیلم

فیلم به لحاظ ماهیت عبارت است از آنچه که، به عنوان نرم‌افزار بر روی ماده (سلولوئید) ضبط گشته و با مکانیزم خاصی به نمایش در می‌آید. امروزه رایانه‌ها در عرصه‌ی تولید، ساخت تصویر و ضبط آن را بر روی دیسکت‌های نوری ممکن ساخته‌اند و نیز در صنعت فیلم‌سازی، کارهایی که به ساخت اینیمیشن مربوط می‌گردد، در سیستم‌های رایانه‌ای طراحی شده و به صورت تصویر متحرک نمایش داده می‌شود. این نوع تصاویر نیز به این جهت که همانند فیلم‌های سینمایی و تلویزیونی، دارای خط داستان بوده و انتقال دهنده‌ی مفاهیم و معنا می‌باشند، مانند فیلم‌های معمولی و متعارف مورد توجه قرار گرفته‌اند. می‌توان گفت، چه از نگاه عرف تخصصی و چه به لحاظ نگاه عرف عمومی، به برنامه‌های این چنین نیز فیلم اطلاق می‌شود. (عباس‌زاده، ۱۳۸۳، ص ۱۵)

۳- تئاتر

واژه‌ی تئاتر، در اصل مشتق از واژه‌ی "تئاترون" است که جزء اول آن به معنای تماشا و مشاهده است. این بدان معنا است که در ازمنه‌ی دور، تماشاچیان، در شب تپه‌ها نشسته و مراسمی مذهبی را با تشریفاتی خاص تماشا می‌کردند. به عبارت دیگر، این واژه بر مکانی که این مراسم در آن واقع می‌شود، اطلاق شده است. البته می‌توان گفت، بر فرایند ارتباطی که از طریق آن به منظور خاص، در محلی معین، توسط

گروهی، اندیشه‌ای به گروه دیگر انتقال می‌یابد، گفته شده است. در مفهوم وسیع‌تر، انجام دادن یک عمل از پیش تعیین شده که بر عامل حرکت و صدا استوار است، تئاتر گفته می‌شود. (مکی، ۱۳۸۳، ص ۱۳)

۴- گریم (چهره آرایی)

واژه گریم از ریشه فرانسوی GRIMER (گریمه) و به معنای خطوط پیری بر چهره انداختن و آراستن چهره برای بازی گرفته شده و انجام دهنده این کار را به نام گریمور می‌شناسند. گریم در دنیای باستان ریشه در مراسم آیینی دارد، در این مراسم به شکل بسیار ابتدایی از گریم استفاده می‌شده است، مانند مصریان قدیم که با آرایش اطراف چشم‌ها با رنگ‌های سبز و خطوط سیاه، چهره جدیدی از خود به نمایش می‌گذاشتند و یا اقام مختلف آفریقایی و قبایل متعدد سرخ پوست که با رنگ‌آمیزی چهره به اشکال مختلف و استفاده از پر و صورتک‌های رنگین، گریم را در زندگی و آیین‌های خود به کار می‌بستند. از بدلو خلقت افرادی که می‌خواستند وقایع شکار و رویارویی خود با جانوران و حوادث مختلف را به دیگران انتقال دهند با توصل به شیوه پانتومیم و استفاده از ایما و اشاره به این منظور دست می‌یافتد، بعدها این روش‌ها با نوعی سرگرمی نیز همراه گردید که در آن بازیگر برای تمایز با افراد عادی و بیشتر سرگرم کردن بینندگان چهره خود را با رنگ و نظایر آن پوشش داد. (میهن، ۱۳۸۸، ص ۳۴)

در تئاتر، گریم به عملی گفته می‌شود که بر روی صورت بازیگران تئاتر انجام می‌شود تا در مرحله اول چهره را در برابر انعکاس سورافکن‌ها و بعد نسبت به شخصیت‌های نمایش آماده سازند. (احمدزاده، ۱۳۸۹، ص ۴۸) در سینما به آرایش صورت هنر پیشگان برای زیباتر شدن و برای جلوگیری از انعکاس نور "گریم" گفته می‌شود. (احمدزاده، ۱۳۸۹، ص ۸۰)

گریم در سه شکل کلی وجود دارد: گریم ساده، گریم اصلاحی، و گریم شخصیت‌سازی.
گریم ساده:

گریم ساده، پرداختی تعدیلی است که ظاهر بازیگر را در کمترین حد خود متأثر می‌سازد. گریم ساده به دو طریق انجام می‌گیرد:
۱- تنظیم رنگ مایه پوست، این نوع پرداخت تعادل رنگ مایه‌ای مناسبی در تصویر به وجود می‌آورد: تیره کردن چهره‌ای رنگ پریاده و روشن کردن پوست‌های تیره.

۲- اصلاحات معمول: این نوع اصلاحات عبارتند از: اصلاح پوست‌های لکه‌دار و پیشانی‌های براق، پرنگ کردن ابروهای کمرنگ، جابه جا کردن خط ریش، تیره کردن گوش‌های روشن، و روشن کردن چشم‌های گود رفته. در بسیاری از برنامه‌های تلویزیونی، بازیگران به گریم اندکی نیاز دارند و معمولاً با کمترین پرداخت و بعضی دستکاری‌های ساده و فوری انجام می‌گیرد. بعضی از بازیگران این اعمال را خودشان انجام می‌دهند.

گریم اصلاحی:

گریم اصلاحی، معمولاً برای کاهش خصوصیات ناخوشایند صورت و جلوه بخشیدن به نقاط جالب آن به کار می‌رود. پرداخت اصلاحی می‌تواند از تصحیح خط لب‌ها، چشم‌ها و بینی تا کاهش چروکیدگی پوست، اصلاح گوش‌های برآمده و پوشاندن طاسی سر متغیر باشد. هدف این است که، بازیگر چنان ظاهر شود که آثار گریم در او آشکار نباشد. لکه‌های پوست و رنگ‌های ناخوشایند طبیعی را باید پوشاند و بهتر است که، این عمل با استفاده از لایه‌های رنگی نازک به جای پوشش‌های ضخیم انجام شود. بعضی اوقات بازوها، دست‌ها، گردن و گوش‌ها نیز برای یک دست شدن رنگ مایه‌ها به گریم اصلاحی نیاز دارند.

کیفیت پوست بازیگر به مواد مورد استفاده در گریم کمک می‌کند. بافت پوست‌های خشن، شکل پذیری دقیق تری دارند و پوست‌های لطیف رگ‌های زیر پوست یا لکه‌های آن را آشکار می‌کند.

گریم شخصیت‌سازی:

در این نوع گریم، تأکید بر شخصیت ویژه یا نقشی است که بازیگر در حال ایفای آن است. ممکن است با تغییر صورت، تغییرات رنگ مو و غیره، شکل موضوع چنان عوض شود که قابل شناسایی نباشد. گریم نقش فرانکشتین از نمونه‌های بارز این نوع گریم است. اما اغلب گریم‌های شخصیت‌سازی کمتر تغییرات چشمگیر و غلو شده را به وجود می‌آورند. گریم‌های نمایشی در دوربین‌های تلویزیونی، خشن و اغراق‌آمیز جلوه می‌کنند، البته در بعضی موارد مانند گریم دلقک‌ها، دزدان دریایی یا بالارین‌ها(رقاص‌ها) این موضوع قابل اغماض است.(جرالد میلسون، ۱۳۸۹، صص ۱۸۹-۱۹۰)

۱- واژه‌های مرتبط با موضوع

۱- نمایش

نمایش در اصطلاح یونانی به "دراما" معروف است و به معنای کار یا عملی است که روی می‌دهد. این عمل بر روی صحنه و در مقابل تماشاگران صورت می‌گرفته است. نمایش انواع متعددی دارد. از تراژدی تا کمدی و ملودرام. خیمه شب بازی نیز از اقسام نمایش قرار می‌گیرد. پانتومیم، باله، اپرا و سینما نیز از انواع هنرهای نمایشی محسوب می‌شوند. (احمد زاده، ۱۳۸۹، ص ۷۱)

۲- هنر

از هنر تعاریف گوناگونی نقل شده است، چه غربی، آنکه اصالت حیات را بر پایه‌ی ماده و طبیعت فرض کرده‌اند و هنر را محصول چنین اندیشه‌ای می‌دانند و چه شرقی، آنکه حیات را در ابعاد معنوی و ماهوی آن دنبال می‌کنند و هنر را کمالات روحی می‌دانند، تعاریف متعددی در این باره ارائه کرده‌اند.

برخی منظور از هنر را خلق یک اثر زیبا، که موجب القاء احساس لذت و شادی می‌شود دانسته و بیان می‌دارند: «هنر کاری که شما در انجام آن لذت ببرید یک اثر هنری است».(موریس ویلیام، ۱۳۸۷، ص ۱۳۴) در مقابل برخی دیگر هنر را زندگی در حیات معقول یا تجسمی کننده‌ی واقعیت آن چنان که هست یا واقعیت آن چنان که باید باشد، می‌دانند که به وسیله‌ی احساس تصعیت شده‌ی انسانی، از آگاهی به حیات هدفدار خود، بر حیات هدف دار دیگران برخوردار است. (علامه جعفری، ۱۳۶۰، ص ۶۶)

بر این اساس هنر عبارت است از تجلی روح الهی انسان، در قالب مبدعات مادی او. به بیان دیگر هنر شامل نوعی ابداع مرتبط به ماده است که این ابداع مرتبط، وقتی بیانگر چهره‌ی معنوی انسان باشد (زیبایی حقیقی)، هنر نام خواهد گرفت. البته این تعبیر، تعریفی بسیار گسترده از هنر است ولی در عین حال برخی از چیزهای موسوم به هنر از دایره‌ی آن خارج می‌شوند. نکته‌ی حائز اهمیت در این باره این است که، اگر این چنین به هنر نگریسته شود، نمایش یا فیلم که خود یکی از انواع هنر است، صرفاً یک کار فنی می‌شود و دیگر عنوان فیلم و تئاتر نخواهد گرفت. مگر آنکه در قالب فنی خود چهره‌ای معنوی و الهی را بروز دهد. با این تعریف، هنر ابزاری یا فنی، از هنر حقیقی یا معنوی جدا می‌گردد.